

۱

یاد بگیریم کنار هم زندگی خوبی داشته باشیم

ما دوستیم قهر و دعوا نمی کنیم

برای پیش دبستانی‌ها
و سال‌های اول
و دوم دبستان



ناشر پیشرو در انتشار
کتاب‌های کمک‌آموزشی برای
مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها



واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و
تحقیقات ذکر

کتاب‌های
قاصدک

عنوان و نام پدیدآور: ما دوستیم قهر و دعوا نمی‌کنیم/

ترجمه شیما فتاحی؛ ویراستار حسین فتاحی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۲۴ص: مصور(رنگی)

فروست: EQ پرورش هوش اجتماعی

یاد بگیریم در کنار هم زندگی خوبی داشته باشیم؛ ۱.

شابک: دوره: ۶-۹۳۷-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ۸-۹۳۳-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: ۲۰۰۹. We are friends

یادداشت: گروه سنی: الف، ب.

موضوع: کودکان -- راهنمای مهارت‌های زندگی -- داستان

موضوع: Children -- life skills guides -- Fiction

موضوع: Friendship -- Fiction

موضوع: Reconciliation -- Fiction

موضوع: Apologizing -- Fiction

شناسه افزوده: فتاحی، شیما، ۱۳۶۲، مترجم

رده بندی دیوبی: ۱۳۹۶ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱/۲۳۱۵۳۰۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۶۵۰۰۹

ما دوستیم قهر و دعوا نمی‌کنیم

ترجمه‌ی شیما فتاحی • ویراستار: حسین فتاحی

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

صفحه‌آرا: مهتاب یعقوبی

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۷/۸۰۳

چاپ اول: ۱۳۹۷ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۸-۹۳۳-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۶-۹۳۷-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

قیمت: تومان

دفتر و نمایندگی مرکزی:

تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه‌ی اول غربی

تلفن: ۶۴۱۰۰۴۱ (۵ خط) • تلفکس: ۶۶۴۸۲۶۳

کد پستی: ۱۳۱۵۸۵۳۴۹۳ • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۳

www.zekr.co • Email: zekr_publishery@yahoo.com

در شهر شیرینی‌ها، دو تا کلوچه‌ی گرد با هم دوست بودند.
کلوچه‌ی زرد، روغنی نام داشت.



و اسم کلوچه‌ی سبزهم نعنایی بود.



خانه‌ی این دو کلوچه روبه‌روی هم، در دو طرف
رودخانه‌ی شکلاتی قرار داشت.
کلوچه‌ها با کمک هم، پلی روی این رودخانه درست
کرده بودند تا بتوانند راحت همدیگر را ببینند.



روزی از روزها، آن دو تصمیم گرفتند با قایق نعنایی
روی رودخانه قایق سواری کنند.



نعنایی به روغنی گفت: «تو هم می‌توانی پارو بزنی.»
اما وقتی سوار قایق شدند، روغنی دیگر پارو را به نعنایی نداد.
نعنایی با ناراحتی گفت: «اجازه بده من هم پارو بزنم.»
روغنی گفت: «یک کم صبر کن!»
نعنایی دوباره گفت: «اما من هم می‌خواهم پارو بزنم!»
روغنی دوباره تکرار کرد: «اِ! اِ! یک کم صبر کن.»
- می‌گویم پارو را بده!
- صبر کن!

